

کاربست سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاچا بر اساس سطوح دکترین نظامی و جنگ‌های آینده

فتح‌ا... کلانتری^{*۱}

چکیده

اندیشه اصلی هر نیروی نظامی در قالب دکترین آن شناخته می‌شود؛ دکترین امری ذهنی و مجموعه‌ای از اعتقادات و دانشی است که با تجربه ثابت شده است. دکترین نظامی چارچوبی برای به کارگیری نیروها، تجهیزات و تاکتیک‌ها در جنگ می‌باشد. پیروزی در جنگ آینده زمانی میسر می‌گردد که نزاچا، ساختار عملیاتی خود را با سطوح جنگ و دکترین نظامی منطبق نماید. طبق اسناد موجود، جنگ و دکترین دارای سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی است، در ساختار فعلی آجا و نزاچا سطح تکنیکی و فراراهبردی وجود ندارد. هدف اصلی این تحقیق تبیین ساختار عملیاتی نزاچا بر اساس سطوح دکترین نظامی و جنگ‌های آینده می‌باشد. این پژوهش از نوع توسعه‌ای- کاربردی بوده و به روش زمینه‌ای- موردی انجام گردیده است. جامعه آماری ۵۰ نفر از نخبگان لشکری با جایگاه سرتیپی به بالا هستند که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده و سه سال به عنوان فرمانده لشکر و تیپ انجام وظیفه نموده‌اند، روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد، یافته‌ها با استفاده از روش‌های خبرگی، تحلیل شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که جنگ آینده دارای ۵ سطح دکترینی و ۵ سطح اجرایی می‌باشد: سطح تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و فراراهبردی. به منظور کاهش سطوح و لایه‌های فرماندهی، ساختار عملیاتی نزاچا در جنگ آینده به صورت گروهان، گردان، لشکر و نزاچا، می‌باشد. در این ساختار دو لایه فرماندهی تیپ و قرارگاه منطقه‌ای حذف می‌گردد. در حال حاضر ساختار نزاچا تیپ‌محور و قرارگاه پایه است؛ به همین دلیل رویکرد آن تهدیدمحور و گنشی است. چنانچه ساختار نزاچا به صورت گردان‌محور و لشکرپایه شود، رویکرد آن، به امنیت‌محور و فراگنشی تبدیل می‌گردد. این مقاله به دنبال تغییر ساختار سازمانی نزاچا نیست، بلکه به دنبال سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاچا در جنگ احتمالی آینده می‌باشد.

واژگان کلیدی: دکترین نظامی، سطوح جنگ آینده، نزاچا، ساختار.

۱. عضو هیئت علمی دافوس آجا و پژوهشگر جنگ آینده، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

مقدمه

پس از یک دوره زمانی مشخص می‌شود که در زمان جنگ و صلح دکترین نظامی چگونه باید باشد. بین سطوح جنگ و دکترین نظامی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ جنگ و دکترین نظامی هر دو دارای سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی هستند. دکترین نظامی «مجموعه نظریات و تئوری‌هایی است که محیط عمل نیروهای مسلح را توصیف می‌کند و روش‌ها و شرایط به کارگیری نیروها را تعیین می‌کند.» (F.Horton and others, ۱۹۹۷:۱۹۰) برای آمادگی لازم در جنگ آینده باید علاوه بر مجهز شدن به تسلیحات پیشرفته، الگوهای علمی از دکترین و شیوه‌های نوینی از جنگیدن را با ساختار جدید طراحی نمود. به منظور پیشگیری از غافلگیری راهبردی، باید روش‌ها و تاکتیک‌های جدید و متفاوتی را برای دفاع در مقابل تهدیدات نوپدید، ابداع نمود. پویایی در دکترین و ساختار باعث خلق تاکتیک‌ها و روش‌های جدید جنگی می‌شود.

بیان مسئله

چالش اصلی جنگ‌های گذشته این بود که سطوح جنگ و دکترین نظامی در سه سطح خلاصه می‌شد. سلسله مراتب طولی در سامانه فرماندهی نزاجا، پاسخگویی سریع و به موقع به تهدیدات متنوع و آنی را با کندی مواجه کرده بود. لذا آنچه ذهن محقق را به خود معطوف نموده این است که در جنگ احتمالی آینده، تهدیدات متنوع، چندوجهی و مرکب هستند، بنابراین برش تاکتیکی و عملیاتی یگان‌های نزاجا بر اساس سطوح دکترین نظامی و جنگ آینده باید طوری باشد که قابلیت پاسخگویی به تهدیدهای متنوع را به صورت هم‌زمان داشته باشد. بازبینی در دکترین و ساختار عملیاتی نزاجا در «نظام چندوجهی» جهت مقابله با «تهدیدهای چندوجهی» امری مهم و ضروری است. لذا مسئله اصلی تحقیق این است که: دکترین نظامی در جنگ آینده داری چند سطح است و ساختار عملیاتی نزاجا با توجه به سطوح جنگ آینده چگونه باید باشد؟ پس مسئله تحقیق تغییر ساختار سازمانی فعلی نزاجا نیست، بلکه مسئله تعریف ساختار عملیاتی و یا سازمان برای رزم نزاجا در جنگ‌های احتمالی آینده بر اساس سطوح جدید جنگی و دکترینی می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

وجود ابهام در چیستی، چرایی و چگونگی جنگ‌های احتمالی آینده، باعث افزایش اهمیت این تحقیق شده است. سایر عوامل مهم عبارت‌اند از: الف) هماهنگی مؤثر بین سیاستمداران و

نظامیان برای بسیج منابع و امکانات جهت مقابله با تهدیدات آینده؛ ب) تصویرسازی مناسب از چگونگی، سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاجا بر اساس دکترین نظامی جدید به منظور هم‌افزایی مؤلفه‌های قدرت ملی برای دفاع و تهاجم در جنگ احتمالی آینده.

عوامل که باعث ضرورت این تحقیق شده عبارت‌اند از: الف) تغییر ماهیت جنگ طی پنجاه سال گذشته، ضرورت بازنگری در ساختار نزاجا را بیان می‌نماید، بی‌توجهی به نتیجه این تحقیق باعث غفلت از سطح تکنیکی و فراراهبردی دکترین نظامی در جنگ آینده می‌گردد.

ب) به علت گستردگی صحنه نبرد و همچنین رشد سرسام‌آور فناوری‌های جنگی، چنانچه ساختار نزاجا مناسب نباشد، چرخه پاسخ به نیازهای دفاعی کشور تا حدودی دچار آسیب می‌گردد. پ) به علت طولی بودن سامانه فرماندهی و کنترل در نزاجا، فرماندهی و مدیریت صحنه عملیات با نقصان روبرو می‌شود.

هدف اصلی تحقیق: تبیین سامان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاجا بر اساس سطوح دکترین نظامی و جنگ‌های آینده می‌باشد.

اهداف فرعی عبارت‌اند از: الف- تبیین سطوح دکترین نظامی در جنگ احتمالی آینده؛ ب- تبیین سطوح جنگ آینده؛ ج- تبیین ساختار عملیاتی و سازمان برای رزم نزاجا با توجه به سطوح دکترین نظامی و جنگ آینده. سؤالات تحقیق متناظر با اهداف می‌باشد.

مبانی نظری

پیشینه‌شناسی

تعداد سه عنوان مقاله علمی- پژوهشی که با این پژوهش ارتباط دارد به شرح زیر می‌باشد: الف) مقاله‌ای با عنوان «دکترین نظامی و فرآیند شکل‌گیری آن» که به وسیله محمدحسین قنبری جهرمی نوشته شده است. نتیجه مقاله این است که اتخاذ دکترین نظامی کارآمد برای پاسخ به تهدیدات فراروی ج.ا.ایران به آینده‌اندیشی نیاز دارد و بخشی از این آینده‌اندیشی از درس‌ها و تجارب جنگ گذشته به دست می‌آید. (قنبری جهرمی، ۱۳۸۷: ۸۱)

ب) مقاله آقای محمدرضا لونی (۱۳۸۹: ۶۵) با عنوان «دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد» با این نتیجه که دکترین پاسخی است برای چگونه عمل کردن، دکترین نظامی خطوط و تابلو راهنمایی است که برای حرکت در مسیر راهبرد باید مورد توجه قرار گیرد.

پ) مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین دکترین نظامی» که به

وسیله عبدالعلی پورشاسب نوشته شده است. نتیجه مقاله این است که شاخص‌های ژئوپلیتیک شامل شکل هندسی، مساحت کشور، موقعیت جغرافیایی کشور، وضعیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران، موقعیت خلیج فارس و تنگه هرمز و جغرافیای نظامی کشور (جنبه‌های نظامی زمین) بر انتخاب نوع و تدوین دکترین نظامی مؤثر می‌باشند و مناسب‌ترین نوع دکترین نظامی با توجه به عوامل ژئوپلیتیک دکترین بازدارندگی - دفاعی است. (پورشاسب، ۱۳۹۷: ۷)

ت) مقاله‌ای با عنوان «تدوین الگوی تشکیل فرماندهی مشترک منطقه‌ای آجا مبتنی بر تهدیدات آینده» که به وسیله حسین شکوهی و محمدرضا شیخ نوشته شده است. بر اساس نتایج این مقاله، عوامل زیر در ساختار فرماندهی مشترک مؤثر می‌باشند: تهدیدات آینده، ساختار، استعداد و گسترش نیروهای نظامی دشمن، توانایی و آسیب‌پذیری‌های او، گسترش و استقرار نیروهای نظامی موجود در هر منطقه بر اساس آمایش سرزمین فعلی، به کارگیری نیروهای احتیاط، انتخاب ساختار راهبردی، ایجاد یگان‌های سایبری، ایجاد یگان‌های عملیات روانی و سازمان‌دهی واحدهای اطلاعاتی. (شکوهی و شیخ، ۱۳۹۶: ۱۶۱)

ث) مقاله‌ای با عنوان «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن» که به وسیله فتح‌الله کلانتری نوشته شده است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که جنگ‌های آینده دارای هفت بُعد (زمینی، دریایی، هوایی، فضایی، سایبری یا فضای مجازی، شناختی یا فضای ذهن و رسانه‌ای) و ۱۰ ویژگی راهبردی (چندوجهی بودن، شناخت‌محوری، هوشمندی، تأثیرمحوری، فناوری‌پایه‌گی، قابلیت‌محوری، مردم‌پایه‌گی، فرماندهی و کنترل برخط و افقی، اشراف اطلاعاتی، ارزش‌محوری و آرمان‌محوری) می‌باشد. طبق موقعیت راهبردی به دست آمده، وضعیت نیروهای مسلح ج.ا.ایران در جنگ آینده در مسیر تهاجم معطوف به قوت قرار گرفته است. (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

در سه مقاله اول بیشتر به آینده‌اندیشی و چگونه عمل کردن دکترین نظامی بر اساس تجارب گذشته و شاخص‌های ژئوپلیتیکی برای انتخاب دکترین نظامی مناسب، توجه شده است. در مقاله چهارم به ساختار، استعداد و گسترش نیروهای نظامی خودی و دشمن با توجه به تهدیدات موجود در جنگ آینده پرداخته است و نهایتاً در مقاله پنجم وضعیت نیروهای مسلح را با توجه به ابعاد و ویژگی‌های جنگ آینده بیان نموده است. پس در مقالات یادشده فقط دکترین و ویژگی‌های جنگ آینده بیان شده است، اما در این مقاله محقق به دنبال این است که با توجه به سطوح جنگ آینده و دکترین نظامی، ساختار عملیاتی و سازمان برای رزم نزاجا

چگونه باید باشد؟

ادبیات تحقیق

دکترین نظامی

طبیعت دکترین نظامی^۱ از بالا به پایین است. دکترین نظامی عبارت است از: «اصول، خط‌مشی‌ها، افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی که از تجربه یا نظریه سرچشمه گرفته و پس از اجماع به‌عنوان یک راهنما شناخته می‌شود» (جمشیدی، ۱۳۸۳، ۳۳). دکترین نظامی مجموعه‌ای از نظریات و اندیشه‌های اصولی و بنیادین مبتنی بر استدلال‌های علمی و تجربی است که محیط ملی و بین‌المللی، تهدیدات نظامی، روند تحولات منطقه‌ای و جهانی و قدرت نظامی خودی را برای کاربرد نیروهای نظامی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. دکترین نظامی روش‌های مناسب را برای دستیابی به اهداف ملی، در زمان صلح یا جنگ توصیه می‌نماید و سیاست‌گذاران را هدایت می‌کند. (تهامی، ۱۳۸۴: ۲۵) با توجه به این تعریف، می‌توان کارکردهای اصلی دکترین نظامی را موارد ذیل دانست:

- ۱- تصویری از جنگ‌های آینده (راهبرد، ابزار، وسایل و روش‌های آماده‌کردن کشور و نیروهای مسلح آن برای این جنگ‌ها).
 - ۲- اندیشه به‌کارگیری نیروی نظامی برای دوری جستن از جنگ یا برپایی آن.
 - ۳- ایده استفاده از نیروی نظامی در حمایت از سیاست خارجی در زمان صلح.
 - ۴- تصویری از نقش نیروی نظامی در امور داخلی کشور. (رئوفی نژاد، ۱۳۹۴: ۶۱).
- در دکترین نظامی عوامل اصلی عبارت‌اند از: فناوری نظامی، جغرافیای ملی، قابلیت‌های دشمنان و قابلیت‌های سازمان‌های خودی (Posen, ۱۹۸۴: ۱۳).

سطوح دکترین نظامی

به‌طور کلی دکترین به دو بخش ملی و نظامی تقسیم می‌شود؛ بخش نظامی به سه سطح دکترین راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم می‌گردد (سامرز، ۱۳۷۱: ۹۸). دکترین نظامی در سطح راهبردی هدایت نیروهای مسلح کشور (سپاه و ارتش) را در صحنه جنگ مطرح می‌کند؛ در سطح عملیاتی درباره هدایت نیروهای زمینی، پدافندی، هوایی و دریایی در صحنه عملیات

۱. Military Doctrine

است و در سطح تاکتیکی مربوط به هدایت یگان‌ها در میدان رزم می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۹). دکتترین نظامی، قدرت نظامی کشور را با سایر ابعاد قدرت ملی هماهنگ می‌سازد و مبنای تصمیم‌گیری دولتمردان در امور نظامی است. در واقع اتخاذ سیاست تهاجمی یا تدافعی با تکیه بر قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح و توجه به دکتترین نظامی، صورت می‌گیرد. در تقسیم‌بندی دیگر، انواع دکتترین نظامی از منظر عملیاتی عبارتند از: دکتترین آفندی، دکتترین پدافندی، دکتترین بازدارنده، دکتترین محیطی یا تک نیرویی، عملیات مشترک و عملیات مرکب. نکته قابل توجه این است که این تقسیم‌بندی در واقع فقط در حوزه عملیات و نوع عملیات است که می‌توان به دکتترین عملیات پیش‌دستانه یا پیشگیرانه هم اشاره کرد.

سطوح جنگ

سطوح جنگ مرزبندی مشخصی ندارد و مرز دقیق و باریکی بین آن‌ها تا کنون تعریف نشده است. خط‌کشی دقیق بین سطوح جنگ مشکل است. معمولاً پس از یک دوره زمانی مشخص می‌شود که در جنگ و صلح چه تصمیمات و اقداماتی ماهیت راهبردی، عملیاتی یا تاکتیکی داشته‌اند. در این مقاله دو سطح تکنیکی و فراراهبردی به سطوح جنگ و دکتترین اضافه شده است، در واقع نوآوری این تحقیق تعریف این دو سطح و کاربرد آن در جنگ می‌باشد. پس جنگ دارای پنج سطح است:

الف) سطح تکنیکی: تکنیک کوچک‌ترین واحد یادگیری یک مهارت است. سطح تکنیکی پایین‌ترین سطح جنگ و سطح دکتترینی است که شامل فنون و تکنیک‌های رده‌های اجرایی مثل گروهان و دسته برای مشارکت در جنگ و عملیات می‌باشد. در جنگ‌های گذشته، عملیات‌های جبهه‌ای در رده تیپ به بالا انجام می‌شد، اما در جنگ‌های آینده تأکید بر اجرای عملیات‌های عمیق و خطی با استفاده از یگان‌های خودکافی و کوچک می‌باشد؛ به همین دلیل برای به کارگیری یگان‌های کوچک مثل گروهان نیاز به سطح تکنیکی جنگ می‌باشد. سطح تکنیکی سطحی است که اجرای جنگ و عملیات را از رده گروهان به پایین هدایت می‌کند، با توجه به اینکه هر سطحی از جنگ نیاز به سطح دکتترینی مشابه دارد، پس سطح تکنیکی دکتترین نظامی برای رده‌های گروهان به پایین مورد نیاز می‌باشد. (دافوس آجا، ۱۳۹۸: ۷۶)

ب) سطح تاکتیکی: این سطح مربوط به نحوه‌ی اجرای جنگ است که با عوامل و ابزار فیزیکی سروکار دارد، طرح‌ریزی و اجرای عملیات در سطح تاکتیکی انجام می‌گردد تا امکان حصول اهداف نظامی به وسیله یگان‌های تاکتیکی فراهم شود. تمرکز فعالیت‌ها در این سطح

حول محور آرایش و مانور عناصر رزمی قرار دارد. عمده اقدامات در این سطح عینی است. (افشردی، ۱۳۹۸: ۵)

پ) سطح عملیاتی: سطحی از جنگ است که طرح‌ریزی، اجرا و تداوم عملیات‌های اصلی و عملیات زنجیره‌ای را به منظور تأمین اهداف راهبردی صحنه عملیات تحقق می‌بخشد. در سطح راهبردی، راهبرد امنیت ملی به سطح عملیات ربط داده می‌شود و در سطح عملیاتی، راهبرد نظامی به تاکتیک یا عملیات تاکتیکی پیوند داده می‌شود. توجه اصلی این سطح بر هنر عملیاتی یا سناریوی عملیاتی است، که عبارت از مجموعه اقداماتی است که در سطح عملیاتی به عمل می‌آید تا راهبرد عملیاتی تحقق یابد. مثلاً در مقابله با تهاجم احتمالی آمریکا به کشور ایران، هدف ما شکست راهبرد آمریکا است، نه انهدام نیروهای او، بلکه شکست هدف آن‌ها که منجر به عقب‌نشینی آمریکا شود. این هدف نظامی کلان را با یک مجموعه اقدامات عملی در سطح عملیاتی به عملیات تاکتیکی پیوند داده می‌شود؛ این همان سناریوی عملیاتی است که باید به عنوان هدف راهبردی به وسیله سناریوی عملیاتی به اقدامات تاکتیکی تبدیل و اجرا شود. لذا سطح عملیاتی به کارگیری تاکتیکی نیروها را به سطح راهبردی پیوند می‌دهد و توجه اصلی هم در این سطح بر سناریوی عملیاتی است. (افشردی، ۱۳۹۸: ۶)

ت) سطح راهبردی: این سطح بالاترین سطح جنگ است. این سطح اساساً نحوه به کارگیری مجموعه امکانات کشور و سازمان‌دهی کلان نیروهای مسلح را که وارد جنگ شده است، برای دستیابی به اهداف عالی جنگ مشخص می‌کند. در واقع اهدافی که یک کشور تعیین می‌نماید، اهدافی سیاسی هستند و اینکه تأمین کدام هدف نظامی می‌تواند یک هدف سیاسی را برآورده نماید، در سطح راهبردی جنگ مشخص می‌شود. مثلاً هدف آمریکا در مورد یک کشور خاص، ایجاد تغییر رفتار است که مسلماً یک هدف سیاسی است؛ حال چه اقدام نظامی تأمین‌کننده این هدف سیاسی است؟ آیا بمباران مراکز هسته‌ای، بمباران مراکز فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح، بمباران مراکز سیاسی یا اقداماتی از این دست، کدام یک منجر به تأمین هدف سیاسی تغییر رفتار کشور می‌شود؟ لذا تعیین اهداف نظامی که می‌تواند منجر به تحقق یک هدف سیاسی شود، در سطح راهبردی مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. (افشردی، ۱۳۹۸: ۸)

ث) سطح فراراهبردی: کاربرد این سطح برای اجرای جنگ مرکب است، هر وقت نزاجا قصد اجرای عملیات مرکب با ارتش سایر کشورها و یا گروه‌های جهادی همسو با ج.ا.ایران در سایر کشورها را علیه هدف مشترک داشته باشد، نیاز به سطح فراراهبردی دکترین نظامی برای

جنگ دارد. سطح فراراهبردی سطحی است که اجرای جنگ و عملیات به وسیله دو کشور یا بیشتر و یا اجرای جنگ و عملیات توسط یک یا دو کشور با یک یا چند گروه جهادی مبارز و همسو با خود را علیه دشمن مشترک هماهنگ می‌نماید. این سطح از جنگ، نیاز به دکترین نظامی فراراهبردی برای اجرای عملیات مرکب دارد. عملیات مرکب نیاز به فرماندهی مرکب دارد؛ فرماندهی مرکب در جنگ‌هایی استفاده می‌شود که نیروی مرکب یعنی نیروی نظامی چندین کشور ملزم به همکاری با یکدیگر باشند، در این جنگ‌ها ممکن است به دلیل ملیت‌های مختلف و آموزش‌های متنوع وحدت فرماندهی مقدور نباشد. برای از بین بردن چنین نقصی یک فرمانده مرکب به منظور ایجاد فرماندهی مرکب تشکیل می‌گردد. (دافوس، ۱۳۹۸: ۷۷)

مفهوم صحنه جنگ

سازمان ملل در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ تعریف زیر را از جنگ و تهاجم ارائه داد: «تهاجم به کار گرفتن نیروی مسلحانه به وسیله یک دولت علیه حاکمیت و تمامیت ارضی یک سرزمین و یا استقلال سیاسی یک دولت دیگر و یا اتخاذ هر شیوه دیگری است که با میثاق ملل متحد منافات داشته باشد» در خصوص شاخص‌های اراده تهاجم‌آمیز یک دولت به موارد زیر نیز اشاره شده است:

۱. اشغال یک سرزمین و یا حمله به آن به وسیله نیروهای مسلح؛
۲. بمباران یک سرزمین؛
۳. محاصره اقتصادی بنادر و یا سواحل یک کشور؛
۴. حمله نیروهای نظامی یک کشور به ناوگان و نیروی هوایی کشور دیگر؛
۵. اعزام دسته‌های مسلح و نیروهای غیرمنظم که علیه یک کشور دیگر دست به تعرض نظامی می‌زنند، حضور ممتد نیروهای نظامی در سرزمینی بدون اجازه کشور میزبان. (حافظانیا، ۱۳۹۰، ۳۴۰)

در ارتباط با جنگ سه صحنه قابل تعریف و دسته‌بندی است که هر یک از این صحنه‌ها دارای تعریف و نقش و کارکرد خاصی است.

الف) صحنه جنگ: دقیقاً به منطقه‌ای جغرافیایی اطلاق می‌شود که نیروهای مسلح آن کشور جهت انجام عملیات‌های نظامی در آن منطقه طرح‌ریزی نموده و یا در حال انجام عملیات باشند. آن کشور در منطقه خود و با توجه به شرایط موجود می‌تواند عملیات‌های زنجیره‌ای راهبردی را در یک یا چند صحنه جنگ طرح‌ریزی یا انجام دهد. صحنه جنگ عبارت است از

قسمتی از خشکی، دریا و هوا که مستقیماً عملیات جنگی در آن انجام می‌گیرد و یا ممکن است انجام گیرد و یا صحنه عملیات و ناحیه داخلی که مستقیماً درگیر عملیات رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی است، یا سرزمین وسیعی متشکل از یک حدود جغرافیایی که جنگ در آن محدوده جریان دارد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۴۵) صحنه جنگ عبارت است از منطقه‌ای از هوا، زمین و دریا که به طور مستقیم در هدایت جنگ مؤثر می‌باشد و معمولاً بیشتر از یک صحنه عملیات را در برمی‌گیرد. (افشردی، ۱۳۹۸: ۲۰)

ب) صحنه عملیات: آن قسمت از صحنه جنگ که برای انجام عملیات نظامی و پشتیبانی خدمات رزمی مورد نیاز است، صحنه عملیات گفته می‌شود. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۴۶) صحنه عملیات بخشی از صحنه جنگ است که عملیات رزمی در آن طراحی و اجرا می‌گردد. هر صحنه عملیات از لحاظ جغرافیایی از سایر صحنه‌های عملیات متمایز و مجزا بوده و جهت اجرا یا پشتیبانی از عملیات رزمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر صحنه عملیات بر بخشی از نیروی دشمن متمرکز می‌شود. (افشردی، ۱۳۹۸: ۲۰)

پ) صحنه نبرد (صحنه رزم): منطقه نبرد بخشی از صحنه عملیات است که درگیری در آن اتفاق می‌افتد. این منطقه مورد نیاز نیروها جهت هدایت و اجرای عملیات رزمی می‌باشد. در بومی‌سازی مفهوم مربوط به منطقه نبرد، به بخشی از منطقه نبرد که در اولین مواجهه با دشمن روبرو می‌شود منطقه مقدم نبرد و به پشت منطقه مقدم نبرد، منطقه عمقی نبرد گفته می‌شود. ناحیه مواصلات بخشی از صحنه جنگ و عملیات است که در آن طرح‌ریزی عملیات نمی‌کنیم، ولی شامل خطوط ارتباطی و دیگر بخش‌های لازم برای پشتیبانی و حفظ نیروهای رزمی است. (افشردی، ۱۳۹۸: ۲۲)

ابعاد و ویژگی‌های جنگ آینده

اغلب جنگ‌های گذشته به صورت مستقیم و تمام‌عیار و جنگ‌های اخیر به صورت نیابتی و محدود اجرا شده است. جنگ تمام‌عیار جنگی است که با استفاده از تمام ابزار و مؤلفه‌های قدرت ملی (نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری و سایبری) به خصوص سلاح‌ها و تجهیزات مدرن و پیشرفته انجام می‌گیرد. این جنگ به صورت مستقیم و همه‌جانبه بین دو کشور و یا ائتلاف انجام می‌گیرد.

جنگ محدود جنگی است که از نظر، زمان، مکان، عده و عده محدود باشد. جنگ محدود داری حداقل چهار ویژگی است: ۱- در زمان محدود انجام می‌شود؛ ۲- در مکان و جغرافیای

محدود انجام می‌شود؛ ۳- با تعداد نیروی انسانی محدود انجام می‌شود؛ ۴- با تجهیزات و سلاح‌های محدود انجام می‌شود.

جنگ‌های گذشته دارای سه بُعد زمینی، دریایی و هوایی بودند، اما جنگ‌های آینده دارای هفت بُعد هستند: ۱- زمینی، ۲- دریایی، ۳- هوایی، ۴- فضایی، ۵- سایبری، ۶- شناختی، ۷- رسانه‌ای. (کلانتری، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

ویژگی‌های جنگ آینده به دو دسته راهبردی و تاکتیکی تقسیم می‌شوند:

الف) ویژگی‌های راهبردی جنگ آینده عبارتند از: ۱- چندوجهی بودن، ۲- شناخت‌محوری، ۳- هوشمندی، ۴- تأثیرمحوری، ۵- فناوری‌پایگی، ۶- قابلیت‌محوری، ۷- مردم‌پایگی، ۸- فرماندهی و واپایش (کنترل) برخط (آنلاین) و افقی، ۹- اشراف اطلاعاتی، ۱۰- ارزش‌محوری، ۱۱- آرمان‌محوری.

ب) ویژگی‌های تاکتیکی جنگ آینده عبارت‌اند از: ۱- درهم‌تنیدگی تهدیدهای نظامی با تهدیدهای امنیتی، ۲- عملیات پُرشدت و متمرکز، ۳- عملیات ویژه، ۴- سیالیت صحنه عملیات، ۵- حمله به توانمندی‌های راهبردی، ۶- عملیات روانی گسترده، ۷- کاهش چرخه زمان بین اطلاعات و عملیات، ۸- دور ایستایی، ۹- نزدیکی سطوح راهبردی با عملیاتی و راه‌کنشی جنگ، ۱۰- استفاده حداقلی از نیروی زمینی، ۱۱- استفاده از گروه‌های تروریستی، ۱۲- ناهمگونی، ۱۳- نابرابری، ۱۴- بسیج مؤلفه‌های قدرت ملی. (کلانتری، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

الگوهای جنگ آینده

مجموعه‌ای از الگوها و نگرش‌های نظامی (در عرصه جنگ) وجود دارد یا در حال شکل‌گیری و تکوین است که با یکدیگر هم‌پوشانی و نقاط مشترک فراوانی دارند. (زهدی و کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۵۸)

جدول شماره ۱: الگوهای موجود و نوظهور جنگ آینده

الگو یا پارادایم‌های نوظهور	الگو یا پارادایم‌های موجود
جنگ شبکه‌محور	جنگ اطلاعات
عملیات تأثیرمحور	جنگ سایبر
جنگ غیرکشنده	جنگ روانی
جنگ بدون سرنشین	جنگ شبکه‌ای
جنگ اطلاعاتی راهبردی	جنگ ناهمگون
جنگ دانش‌بنیان (جنگ دانشی)	جنگ نامتعارف
جنگ نیابتی	جنگ موازی
جنگ مقاومت	جنگ کلاسیک (سستی و مدرن)

روش‌شناسی تحقیق

نوع و روش تحقیق

نتایج پژوهش کاربردی می‌باشد و می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان بخش لشکری قرار گیرد، لذا نوع پژوهش توسعه‌ای- کاربردی است. در این تحقیق، پژوهشگر صرفاً سطوح دکترین نظامی و جنگ را در ساختار نزاجا بررسی نموده است، بنابراین روش تحقیق زمینه‌ای-موردی و به صورت آمیخته (کمی و کیفی) است.

قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی

قلمرو تحقیق از نظر زمانی، پس از اتمام جنگ سوریه، از سال ۱۳۹۶ تا زمانی که الگوها و پارادایم‌های جدید جنگی خلق شوند. از نظر مکانی، شامل استقرار نزاجا در جغرافیای ج.ا.ایران می‌باشد.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق از صاحب‌نظران و نخبگان لشکری با جایگاه سرتیپی به بالا که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده و سه سال به عنوان فرمانده لشکر و تیپ یا مدیر سطح ۱۸ و بالاتر انجام وظیفه کرده باشند. یکی از ویژگی‌های مهم جامعه نمونه این است که ۵۰٪ آن‌ها حداقل یک سال سابقه حضور در جنگ سوریه را داشته باشند. تعداد جامعه نمونه ۵۰ نفر می‌باشد. چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، نمونه‌گیری به صورت تمام شمار

می‌باشد.

ابزار گردآوری

اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به‌دست آمده است. در روش میدانی، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که ۱۶ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان و فرماندهان نظامی، شناسایی و سپس پرسشنامه مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه استفاده شده و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و یک نمونه اولیه بین خبرگان و کارشناسان پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۸ به‌دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد. ساختار نزاجا متغیر وابسته است، سطوح دکترین نظامی و سطوح جنگ آینده هر دو متغیر مستقل هستند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل جمعیت شناختی

جامعه آماری ۵۰ نفر است، چون جامعه مورد مطالعه کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد پس جامعه آماری مطابق با جامعه نمونه است و به همین دلیل تحقیق به صورت تمام‌شمار انجام می‌شود. طبق جدول زیر جامعه نمونه ۵۰ نفر است که ۳۰ نفر آن دارای مدرک کارشناسی بوده و سنوات خدمتی آن‌ها بین ۲ تا ۵ سال است. ۱۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده و سنوات خدمتی آن‌ها بین ۵ تا ۱۰ سال است. ۵ نفر دارای مدرک دکترا بوده و سنوات خدمتی آن‌ها بالای ۲۵ سال است. بنابراین جامعه نمونه از نظر مدرک، سنوات خدمت و تجربه حضور در جنگ سوریه دارای تجربه خوبی می‌باشند. از ۵۰ نفر جامعه نمونه تعداد ۲۸ نفر به مدت یک

سال تجربه جنگ در سوریه را دارند. بنابراین جامعه نمونه از نظر سنوات خدمت، مدرک تحصیلی و تجربه حضور در جنگ سوریه دارای روایی و پایایی لازم می‌باشد.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جامعه نمونه

ردیف	مدرک تحصیلی	سنوات خدمت	تعداد	تجربه جنگ سوریه
۱	کارشناس	۲ تا ۵ سال	۳۰ نفر	۱۶
۲	کارشناسی ارشد	۵ تا ۱۰ سال	۱۵ نفر	۸
۳	دکتر	۲۵ سال به بالا	۵ نفر	۴
۴	جمع کل			۲۸ نفر

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

به منظور تجزیه و تحلیل سؤال‌های تحقیق و بر اساس پرسش‌نامه‌های تنظیم شده که بین جامعه نمونه توزیع گردیده و پاسخ‌های اخذ شده از آن‌ها مقادیر به دست آمده برای یافته‌ها در قالب جدول زیر درج و میانگین وضع موجود، وزن، وزن موزون و امتیاز موزون برای هر یک از سؤالات به صورت جداگانه به شرح زیر محاسبه شده است.

بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از پرسشنامه‌های دریافتی و طبق طیف لیکرت پاسخ هر سؤال بر اساس گزینه خیلی زیاد نمره ۵، زیاد نمره ۴، متوسط نمره ۳، کم نمره ۲ و خیلی کم نمره ۱ محاسبه شده است. جمع ۵ نمره ۱۵ می‌شود، ۱۵ تقسیم بر ۵ گزینه حاصل آن عدد ۳ می‌باشد، بنابراین میانگین نمره قبولی ۳ به بالا می‌باشد. یعنی عواملی که میانگین آن‌ها بیشتر از ۳ باشد پذیرفته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- میانگین امتیاز هر عامل از جمع امتیاز هر عامل تقسیم بر تعداد جامعه نمونه به دست آمده است، برای سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ آینده، امتیاز آن برابر با ۱۵۶ بوده که تقسیم بر ۵۰ جامعه نمونه شده، میانگین ۳/۱۲ به دست آمده است. این عدد میانگین امتیاز سؤال اول است. برای مابقی سؤال‌ها به همین صورت محاسبه انجام شده است.

۲- با استفاده از نظر خبرگی و بر اساس طیف لیکرت وزن هر عامل از ۱ تا ۵ مشخص شده است؛ هرچه میزان اثرگذاری و اهمیت عامل زیاد باشد به همان اندازه وزن آن عامل هم زیاد می‌باشد، بین وزن عامل با میزان اهمیت و اثرگذاری آن ارتباط مستقیم وجود دارد. برای سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ

- آینده، وزن ۳ محاسبه شده است. این عدد میانگین ۵۰ وزنی است که جامعه نمونه به این سؤال وزن داده‌اند.
- ۳- میانگین امتیاز هر عامل بر جمع کل میانگین امتیاز تقسیم‌شده و وزن موزون هر عامل به دست آمده است، مثلاً میانگین سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ آینده برابر با ۳/۱۲ است. این عدد تقسیم‌بر ۵۷ شده و وزن موزون آن ۰/۵۵ می‌باشد.
- ۴- وزن موزون هر عامل ضرب در میانگین کل شده و امتیاز وزن موزون هر عامل به دست آمده است. مثلاً امتیاز موزون سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ آینده برابر با ۲/۲۴ است. برای این کار ۰/۵۵ ضربدر ۴/۰۷ شده و نتیجه ۲/۲۴ به دست آمده است.
- ۵- برای اطمینان از دقیق بودن محاسبات جدول، نحوه ساخت آمارهای توصیفی طبق مراحل زیر می‌باشد:
- الف- عدد جمع کل امتیازات و وزن سؤالات باید برابر هم باشد، در این جدول هر دو عدد ۵۷ است.
- ب- عدد میانگین کل، وزن و امتیاز موزون هر سه باید برابر هم باشد، در این جدول هر سه عدد ۴/۰۷ است.
- پ- جمع کل وزن موزون باید عدد ۱ باشد، در این جدول جمع کل وزن موزون ۱ می‌باشد.

با توجه به دقیق بودن مراحل بالا، نتیجه می‌گیریم که از یک طرف یافته‌ها و پاسخ‌های دریافتی دقیق و مؤثر بوده و از سوی دیگر محاسبات جدول شماره ۳ شامل: میانگین امتیاز، وزن عوامل، وزن موزون عوامل، امتیاز موزون به طور دقیق محاسبه شده و دارای روایی و پایایی معتبر و لازم می‌باشند.

جدول شماره ۳: میانگین پاسخ‌های دریافتی پیرامون کاربری دکتترین نظامی با سطوح جنگ آینده و

ساختار نزاجا

امتیاز موزون	وزن موزون	وزن	میانگین امتیاز	کاربست دکتترین نظامی با سطوح جنگ آینده و ساختار نزاجا	
۱/۲۲۴	۱/۰۵۵	۳	۳/۱۲	۱. سطح تکنیکی	سطوح دکتترین نظامی آینده
۱/۳۱۷	۱/۰۷۸	۴	۴/۴۷	۲. سطح تاکتیکی	
۱/۲۹۷	۱/۰۷۳	۴	۴/۱۷	۳. سطح عملیاتی	
۱/۲۹۳	۱/۰۷۲	۵	۴/۰۵	۴. سطح راهبردی	
۱/۲۷۳	۱/۰۶۷	۳	۳/۸۴	۵. سطح فرا راهبردی	
۱/۲۲۴	۱/۰۵۵	۳	۳/۱۴	۶. سطح تکنیکی	سطوح جنگ آینده
۱/۳۲۲	۱/۰۷۹	۴	۴/۴۹	۷. سطح تاکتیکی	
۱/۳۲۲	۱/۰۷۹	۵	۴/۵۰	۸. سطح عملیاتی	
۱/۳۰۹	۱/۰۷۶	۵	۴/۳۵	۹. سطح راهبردی	
۱/۳۰۱	۱/۰۷۴	۴	۴/۱۹	۱۰. سطح فرا راهبردی	
۱/۳۲۹	۱/۰۸۱	۵	۴/۶۰	۱۱. گروهان	ساختار عملیاتی نزاجا در جنگ آینده
۱/۳۲۶	۱/۰۸۰	۴	۴/۵۸	۱۲. گردان	
۱/۱۸۴	۱/۰۴۷	۳	۲/۹۷	۱۳. تیپ در ساختار عملیاتی	
۱/۲۶۵	۱/۰۶۵	۴	۳/۸۴	۱۴. لشکر	
۱/۱۸۰	۱/۰۴۶	۳	۲/۹۳	۱۵. قرارگاه منطقه‌ای در ساختار عملیاتی	
۱/۲۶۸	۱/۰۶۶	۴	۳/۷۶	۱۶. نزاجا	
۴/۰۷	۱	۵۷	۵۷	جمع کل	
۱/۲۹۰	۱/۰۷۱	۴/۰۷	۴/۰۷	میانگین کل	

تعداد ۱۶ سؤال بسته به جامعه نمونه واگذار شده است، ۱۴ سؤال آن که میانگین نمره ۳ به بالا (متوسط به بالا) دریافت نموده‌اند پذیرفته شده و ۲ سؤال (وجود تیپ و قرارگاه منطقه‌ای در ساختار عملیاتی نزاجا) به علت کسب نمره کمتر از ۳ (متوسط به پایین) پذیرفته نشده و به همین دلیل در جمع کل و میانگین کل جدول زیر محاسبه نشده است. بنابراین طبق نظر خبرگان هنگام سازمان برای رزم در ساختار عملیاتی نزاجا نیازی به رده تیپ و قرارگاه

منطقه‌ای نیست. چون این دو رده از نظر عده و عده خودکافی نیستند، پس بهتر است در هنگام اجرای عملیات و سازمان برای رزم این دو رده فریز شوند و پس از اتمام عملیات مجدداً فعال شده و به مأموریت خود ادامه دهند. مصاحبه به‌عمل آمده با ۲۸ نفر از جامعه نمونه که در جنگ سوریه حضور داشتند، این دیدگاه را تأیید می‌نماید.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها

بر اساس مصاحبه به‌عمل آمده با ۲۸ نفر از جامعه نمونه که در جنگ سوریه حضور داشتند و تلفیق آن با یافته‌های جدول شماره ۳ رابطه بین سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاا به‌عنوان متغیر وابسته با دو متغیر مستقل یعنی سطوح دکترین نظامی و سطوح جنگ آینده به‌شرح زیر تحلیل می‌گردد:

۱- یکی از ویژگی‌های مهم جنگ آینده کاهش سطوح فرماندهی و یا تخت نمودن لایه‌های فرماندهی است. در ساختار سازمانی فعلی فرمانده گروهان، گردان، تیپ، لشکر، قرارگاه و نزاا وجود دارد؛ بنابراین این ویژگی و اصل مهم یعنی کاهش سطوح فرماندهی رعایت نشده است. طبق جدول شماره ۴ در سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی جدید دولایه فرماندهی یعنی تیپ و قرارگاه منطقه‌ای به‌علت کسب میانگین کمتر از متوسط یعنی ۳ حذف شده است. علت حذف تیپ و قرارگاه خودکافی نبودن این دو رده است. تیپ و قرارگاه برای اجرای عملیات از نظر عده و عده و سلاح و تجهیزات، به‌خصوص پشتیبانی آتش توپخانه، تجهیزات مهندسی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی خودکافی نمی‌باشد و از این لحاظ در صحنه جنگ متکی به رده‌بالا یا هم‌تراز بوده و خودکافی نیست، پس ساختار سازمانی فعلی نزاا که قرارگاه‌محور و تیپ‌پایه است، به علت خودکافی نبودن توان پاسخگویی سریع و به‌موقع به تهدیدات را در جنگ آینده ندارد. در سطح عملیات لشکر از نظر عده و عده و آتش توپخانه، سلاح و تجهیزات، به ویژه تجهیزات مهندسی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی خودکافی است و از همه مهم‌تر لشکر دارای مرکز هماهنگی پشتیبانی آتش (مهپا) برای ایجاد هماهنگی بین آتش‌های توپخانه با آتش هوانیروز و نیروی هوایی است، لذا لشکر برای رزم در سطح عملیاتی خودکافی بوده و نیاز به رده‌های دیگر ندارد. در سطح تاکتیک گردان همانند لشکر خودکافی است، پس به‌منظور پاسخگویی سریع و به‌موقع به

تهدیدات باید سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزا جا لشکر محور و گردان پایه شود.

۲- در ساختار عملیاتی جدید اولاً پنج سطح جنگ تعریف شده است: سطح تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و فراراهبردی، دوم اینکه هیچ گونه تداخلی بین سطوح جنگ نیست، بلکه انطباق و تا حدودی هم پوشانی وجود دارد. در ساختار عملیاتی جدید گروهان سطح تکنیکی است و فرمانده گروهان تصمیم گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است. گردان بیشتر دارای سطح تکنیکی و تا حدودی سطح تاکتیکی است، در سطح تاکتیک فرمانده گردان و لشکر تصمیم گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است. لشکر بیشتر دارای سطح تاکتیکی و تا حدودی عملیاتی است، نزا جا بیشتر داری سطح عملیاتی و تا حدودی راهبردی است، در سطح عملیاتی فرمانده نزا جا تصمیم گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است. آجا بیشتر داری سطح راهبردی و تا حدودی فراراهبردی است، در سطح راهبردی فرمانده آجا تصمیم گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است. ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا^(ص) دارای سطح فراراهبردی است و تصمیم گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است.

۳- در ساختار سازمانی فعلی بین سطوح جنگ تداخل وجود دارد، اما در ساختار عملیاتی و سازمان برای رزم جدید بین سطوح جنگ انطباق و تا حدودی هم پوشانی وجود دارد. این دو ویژگی و به نوعی دو اصل مهم جنگ آیند (کاهش سطوح فرماندهی و انطباق سطوح جنگ باهم) و سایر ویژگی های دیگر جنگ آیند بیانگر این است که ساختار سازمانی فعلی پاسخگوی جنگ آیند نبوده و باید تغییر یابد. سطح فراراهبردی جنگ یکی از الزامات نبرد در فرامرزها می باشد.

۴- یکی دیگر از ویژگی های مهم جنگ آیند انطباق و تا حدودی هم پوشانی سطوح جنگ باهمدیگر است. در ساختار سازمانی فعلی سطوح جنگ عبارتند از: تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی، در این ساختار سطوح جنگ باهم تداخل دارند. گروهان، گردان و تیپ هر سه دارای سطح تاکتیکی هستند. لشکر و قرارگاه دارای سطح عملیاتی هستند. نزا جا دارای سطح عملیاتی و راهبردی است.

بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از مصاحبه با ۲۸ نفر از جامعه نمونه که در جنگ سوریه حضور داشتند، در جنگ های گذشته، شروع جنگ با دولت ها، اجرای جنگ با نظامیان و

خاتمه جنگ با دولت‌ها بود. اما در جنگ‌های آینده، شروع جنگ با بازیگران^۱، اجرای جنگ با ملت‌ها، مدیریت جنگ با دولت‌ها و حمایت مردم با محوریت نظامیان و در نهایت خاتمه جنگ با دولت‌ها می‌باشد. بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان تفاوت بین جنگ‌های گذشته با جنگ‌های آینده طبق جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۴: مقایسه تطبیقی بین جنگ‌های گذشته با جنگ‌های آینده از دیدگاه

مصاحبه‌شوندگان

جنگ گذشته	جنگ آینده
هدف: دولت - نیروهای مسلح - زیرساخت‌ها - مردم	هدف: مردم - زیرساخت‌ها - دولت - نیروهای مسلح
زمان زیاد و هزینه زیاد	زمان کم و هزینه کم
اثرگذاری مقطعی و ماندگاری کم	اثرگذاری بلندمدت و ماندگاری زیاد
بی‌ثباتی بطئی و سطحی	بی‌ثباتی امنیتی و عمیق
تحلیل اراده به دولت	تحلیل اراده به مردم و ایجاد گسل بین مردم با نظام
فشار مستقیم به دولت	فشار مستقیم و غیرمستقیم به مردم
اختلال در تصمیم‌گیری و مدیریت کشور	تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های نامشروع
متکی به تجهیزات و سلاح‌های سخت‌افزاری	متکی به سلاح‌های نرم‌افزاری مثل فضای مجازی و رسانه
تخریب زیرساخت‌ها و تضعیف نیروهای مسلح	تضعیف روحیه مقاومت و از بین بردن حمایت مردمی
متکی به ظرفیت‌های نظامی و دولتی	استفاده از تمام منابع نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ظرفیت‌های مردمی و بخش خصوصی
متکی به ائتلاف‌های رسمی	استفاده از گروه‌های فراملی و ائتلاف‌های غیررسمی
تبدیل به جنگ مستقیم و محدود می‌شود	تبدیل به جنگ نیابتی و ترکیبی می‌شود
امنیت و ثبات یک کشور را ژله‌ای و شکننده می‌کند	امنیت و ثبات یک منطقه را مختل می‌کند

۱. بازیگر شامل فرد، حزب، گروه‌های فراملی، ملی، فراملی و یک یا چند کشور به صورت ائتلاف رسمی و غیررسمی است. ائتلاف رسمی شامل کشورها با هم است و ائتلاف غیررسمی شامل یک یا چند کشور با یک یا چند گروه فراملی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتیجه‌گیری

دکترین نظامی و سطوح جنگ آینده به پنج سطح تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و فراراهبردی تقسیم می‌شوند. الگوها، ویژگی‌ها، ابعاد جنگ و دکترین نظامی تغییر نموده است. هر سطحی از جنگ، دکترین نظامی خاص خود را دارد. در ساختار سازمانی فعلی ارتش سطح تکنیکی و فراراهبردی وجود ندارد. در سطح تکنیکی، دکترین نظامی تدافعی یا تهاجمی است. وقتی دفاع شهری^۱ انجام می‌شود، دکترین تدافعی است. وقتی جنگ شهری^۲ اجرا می‌شود دکترین، تهاجمی است. در سطح تاکتیکی و عملیاتی دکترین نظامی تهاجمی است. نیروی زمینی و ارتش باید دکترینش تهاجمی باشد. در سطح راهبردی دکترین، تدافعی است. در سطح فراراهبردی دکترین، هم تدافعی است و هم تهاجمی. جایی که ائتلاف با گروه‌های مبارز و کشورها مد نظر می‌باشد، دکترین هجومی است. هر وقت در فرامرزها عملیات انجام شود، الزام آن تشکیل سطح فراراهبردی است که یکی الزامات این سطح تشکیل قرارگاه فرماندهی مشترک از تمام کشورهای ائتلاف است تا در مورد ادامه و مدیریت جنگ در فرامرزها تصمیم‌گیری کنند. وقتی که ابعاد، سطوح، دکترین و الگوهای جنگ در کنار هم قرار می‌گیرد، نتیجه می‌گیریم که ساختار سازمانی فعلی نزاجا پاسخگوی جنگ‌های آینده نیست و باید سطوح فرماندهی آن کاهش یابد. سطح تکنیکی در دکترین نظامی و جنگ خیلی مهم است؛ چون در این سطح فرمانده گروهان تصمیم‌گیرنده بلامنازع صحنه جنگ است. در سطح تاکتیکی ساختار، گردان و لشکر باید تشکیل شود و تیپ پاسخگو نیست. در سطح عملیاتی لشکر و نیرو باید تصمیم‌گیرنده صحنه جنگ باشد. در سطح راهبردی باید ارتش و در سطح فراراهبردی قرارگاه خاتم الأنبیا^(ص) باید تصمیم‌گیرنده باشند. یکی از الزامات جنگ‌های آینده این است که سطوح فرماندهی باید تخت شود که در ساختار فعلی نزاجا نیست. ساختار سازمانی نزاجا در مواجهه با جنگ آینده باید به ساختار عملیاتی تبدیل شود، یعنی سازمان برای رزم نزاجا باید به: گروهان، گردان، لشکر و نیرو تبدیل شود. تیپ و قرارگاه‌های منطقه‌ای

۱. War Defense

۲. War Urban

در ساختار عملیاتی و سازمان برای رزم نزاجا جایگاهی ندارد. طبق نظر خبرگان و مصاحبه‌شوندگان هنگام سازمان برای رزم در ساختار عملیاتی نزاجا نیازی به رده تیپ و قرارگاه منطقه‌ای نیست؛ زیرا این دو رده از نظر عده و عده خودکافی نیستند، پس باید هنگام اجرای عملیات و سازمان برای رزم این دو رده فریز شوند و پس از اتمام عملیات مجدداً فعال شده و به مأموریت خود ادامه دهند.

در ساختار عملیاتی نزاجا نیازی به بخش نگهداری و تعمیر خودرو نیست؛ این قسمت باید به بخش خصوصی واگذار شود تا هم اشتغال‌زایی ایجاد شود و هم درآمدزایی برای ارتش. نباید فرماندهان درگیر امور آمادی شوند. ساختار سازمانی فعلی «تیپ‌پایه و قرارگاه‌محور» است؛ به همین دلیل تهدیدمحور و واکنشی است و همیشه یک‌قدم عقب‌تر از دشمن هستیم و درواقع همیشه دنبال پادزهر هستیم. با تغییر ساختار و افزایش سطوح دکترین نظامی و سطوح جنگ کاری می‌کنیم که دشمن دنبال ما بیاید. رویکرد تهدیدمحور باعث تهییج دشمن می‌شود، ولی وقتی ما ساختارسازی کنیم، دشمن به سراغ ما نمی‌آید. در چنین حالتی، سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی جدید «امنیت‌محور و فراکنشی» می‌شود، نزاجا در ساختار عملیاتی جدید «گردان‌پایه و لشکر‌محور» می‌شود. اگر بخواهیم ساختار فرماندهی خطی شود باید دو سطح حذف شوند.

تیپ برای اجرای عملیات از نظر عده و عده و سلاح و تجهیزات، به ویژه تجهیزات مهندسی و پشتیبانی خدمات رزمی خودکافی نمی‌باشد و از این لحاظ در صحنه جنگ متکی به رده‌بالا است، پس قرارگاه منطقه‌ای و تیپ به‌علت خودکافی نبودن توان پاسخگویی سریع و به موقع به تهدیدات را در جنگ آینده ندارد و باید در سازمان برای رزم نزاجا در جنگ احتمالی آینده فریز شوند. در سطح عملیات، لشکر از نظر عده و عده و سلاح و تجهیزات، به خصوص تجهیزات مهندسی و پشتیبانی خدمات رزمی خودکافی است و هم‌چنین در سطح تاکتیک گردان همانند لشکر خودکافی است؛ به‌همین دلیل باید سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاجا «لشکر‌محور و گردان‌پایه» شود.

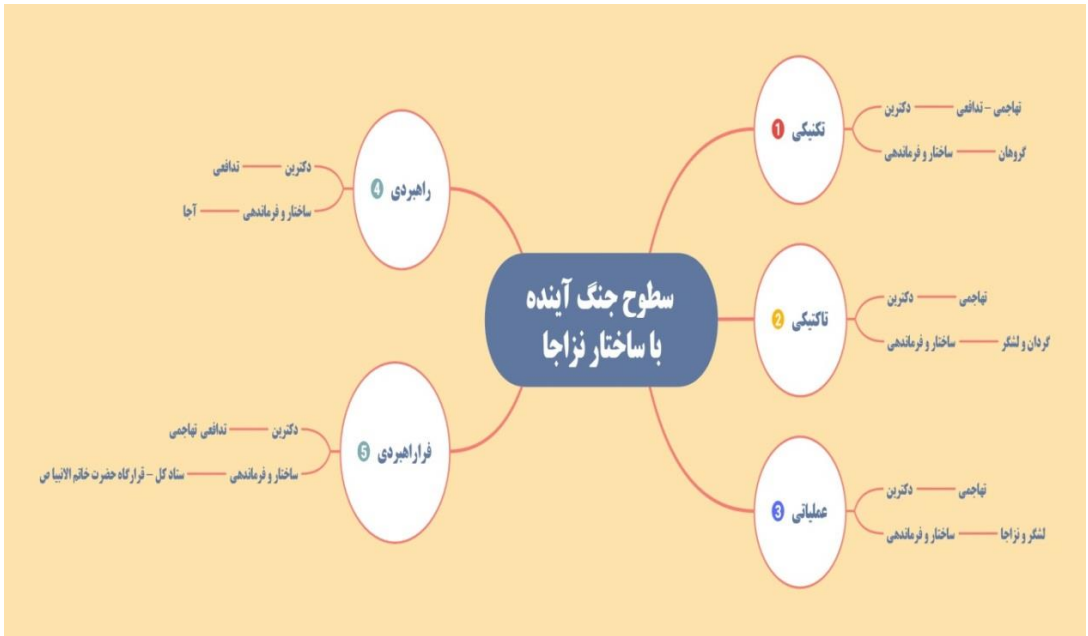
یکی از دلایل تغییر ساختار وجود تهدیدات متنوع، چندلایه و هیبریدی است. اگر تهدیدات را به مثابه یک طیف افقی در نظر بگیریم، ج.ا.ایران در هر دو سر طیف دارای تهدید است؛ یعنی تهدیدات علیه ج.ا.ایران بین صفر تا صد هستند. در سمت چپ طیف که صفر است، تهدیدات

کوچک مثل داعش و برخی از کشورهای همسایه هستند. به سمت وسط طیف تهدیدات منطقه‌ای هم‌تراز قرار دارند؛ مثل عربستان سعودی، ترکیه و ... هر چه به راست طیف برویم، تهدیدات ناهمگون و قوی‌تر مثل آمریکا و ناتو قرار دارند. بنابراین ج.ا.ایران بر خلاف سایر کشورها در هر دو سر طیف مورد تهدید است، پس هم نیاز به گردان جهت سر منفی طیف دارد و هم نیاز به لشکر جهت سر مثبت طیف دارد.



شکل شماره ۱: طیف تهدیدهای نظامی

بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از پرسشنامه تحقیق و با توجه به اطلاعات میدانی و مصاحبه انجام شده با ۲۸ نفر از جامعه نمونه، سطوح جنگ و سطوح دکترین نظامی در جنگ‌های گذشته سه سطح (تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی) بوده که باید در جنگ آینده به پنج سطح (تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و فراراهبردی) تبدیل شود. شکل شماره ۲ بیانگر نحوه افزایش سطوح جنگ و سطوح دکترین نظامی و کاربرستی آن با ساختار عملیاتی نزاچا به صورت گروهان، گردان، لشکر و نزاچا می‌باشد. در این شکل ساختار عملیاتی و دکترین نظامی نزاچا در پنج سطح نمایش داده شده است.



شکل شماره ۲: تطبیق سطوح دکترین نظامی و سطوح جنگ با ساختار جدید نزاجا

بر اساس مقایسه تطبیقی بین جنگ‌های گذشته و جنگ‌های آینده که در جدول شماره ۴ بیان شده است، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار سازمانی فعلی نزاجا متناسب با دکترین نظامی و سطوح جنگ آینده نیست. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از پرسشنامه‌ها و دیدگاه خبرگان، سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی پیشنهادی بیانگر پنج سطح بودن جنگ و دکترین نظامی می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم:

- ۱- سطوح جنگ و دکترین نظامی باید به پنج سطح: تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و فوارا راهبردی تبدیل گردد.
- ۲- سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاجا باید به گروهان، گردان، لشکر و نزاجا تبدیل شود. جدول شماره ۵ مقایسه تطبیقی بین ساختار سازمانی فعلی نزاجا با سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی جدید را نشان می‌دهد. این جدول بیانگر محاسن و اهمیت ساختار عملیاتی جدید نسبت به ساختار فعلی است.

جدول شماره ۵: مقایسه تطبیقی بین ساختار سازمانی فعلی با سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی جدید

ردیف	ساختار سازمانی فعلی	سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی پیشنهادی
۱	غفلت از دفاع مردم پایه و ظرفیت‌های مردمی و بخش خصوصی.	از ظرفیت مردمی و بخش خصوصی استفاده می‌شود و امکان دفاع مردم پایه میسر می‌گردد.
۲	غفلت از ظرفیت‌های فراملی مثل جبهه مقاومت و عمق استراتژیک.	با استفاده از ظرفیت‌های فراملی، امکان اجرای عملیات در فرامرزها میسر می‌گردد.
۳	بی‌ثباتی سیاسی و عدم فهم مشترک بین مسئولان سیاسی و نظامی در مسائل فراملی.	ثبات سیاسی و فهم مشترک بین مسئولان سیاسی و نظامی در مسائل فراملی ایجاد می‌شود.
۴	ایجاد شکاف بین سطوح جنگ با دکترین نظامی.	همپوشانی بین سطوح جنگ و دکترین نظامی.
۵	کنترل تمرکزی و دکترین نظامی تدافعی با رویکرد تهدیدمحوری در نزاجا غالب می‌شود.	کنترل غیرتمرکزی و دکترین نظامی تهاجمی با رویکرد امنیت محور در نزاجا غالب می‌شود.
۶	برش تاکتیکی و عملیاتی کنش محور و بر اساس الگوی مرکز- پیرامون است.	برش تاکتیکی و عملیاتی فراکنشی و بر اساس الگوی پیرامون- مرکز است.
۷	اجرای عملیات شبکه محور و تأثیرمحور سخت است.	اجرای عملیات شبکه محور و تأثیرمحور آسان است.
۸	پشتیبانی آتش هوانیروز در اختیار لشکر نیست.	آتش هوانیروز به طور مستقیم در اختیار لشکر قرار دارد.
۹	آتش توپخانه در اختیار گردان نیست.	آتش توپخانه در اختیار گردان و لشکر قرار دارد.
۱۰	ساختار نزاجا تیپ پایه و قرارگاه محور بوده و داری ۶ سطح فرماندهی است.	ساختار نزاجا گردان پایه و لشکر محور است و داری چهار سطح فرماندهی می‌شود.

پیشنهادها

پیشنهادهای تحقیقی:

- ۱- تحقیق جدیدی تحت عنوان تجهیزات و فناوری متناسب با سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی جدید نزاا انجام شود.
- ۲- تحقیق جدیدی تحت عنوان تبیین سطح تکنیکی و سطح فراراهبردی دکترین نظامی انجام شود.
- ۳- تحقیق جدیدی تحت عنوان تبیین سطح تکنیکی و سطح فراراهبردی جنگ انجام شود.

پیشنهادهای اجرایی به ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهی کل آجا

- ۱- در ساختار عملیاتی پیشنهادی باید گروهان، گردان، لشکر، نزاا، آجا و بعد از آن ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه خاتم الأنبیاء^(ص) باشد. در سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی حذف تیپ و قرارگاه منطقه‌ای پیشنهاد می‌گردد. ساختار نزاا از حالت تیپ‌پایه و قرارگاه‌محور به گردان‌پایه و لشکرمحور تغییر یابد.
- ۲- ساختار و دکترین نظامی سازمانی نزاا «تهدیدمحور» است، رویکرد تهدیدمحوری علاوه بر هزینه زیاد، به بازدارندگی و حفظ وضع موجود ختم می‌شود، بازدارندگی چنانچه مؤثر نباشد، به جنگ تبدیل می‌گردد.
- ۳- ساختار و دکترین نظامی جدید نزاا «امنیت‌محور» است، رویکرد امنیت‌محوری چون فرصت‌ساز و توان‌محور است، به «قدرت‌افکنی و قدرت‌سازی و قدرت‌افزایی» ختم می‌شود، این رویکرد کم‌هزینه، توان‌محور و توسعه‌ساز است؛ به همین دلیل مانع از اجرای تهاجم دشمن می‌گردد.
- ۴- برش راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی نزاا بر اساس الگوی مرکز - پیرامون است که باید به پیرامون - مرکز تبدیل شود. بر اساس سطوح و دکترین نظامی جدید، گردان‌های نزاا باید در مناطق پیرامونی مستقر گردند. (الگوی پیرامون - مرکز).
- ۵- برش عملیاتی و تاکتیکی یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی نزاا گنشی و تهدیدمحور است که باید به فراگنشی و قابلیت محور با رویکرد تأثیرمحوری تبدیل شود.

- ۶- به علت رشد گروه‌های تروریستی - تکفیری، تشکیل یگان‌های چالاک و چابک ضد تروریسم و مراکز آموزش مبارزه با تروریسم در ساختار نزا جا و سازمان‌دهی مدیریت مبارزه با تروریسم در معاونت اطلاعات نزا جا امری ضروری و مهم است.
- ۷- اجرای رزمایش‌های مردم‌پایه و ترکیبی و توسعه عمق راهبردی ج.ا.ایران با تأکید بر اجرای جنگ مقاومت و جنگ نهضتی جهت مقابله با جنگ تمام‌عیار دشمن.
- ۸- تجربه جنگ سوریه و عراق بیانگر آن است جهت انهدام تروریست‌ها کارایی هوانیروز به مراتب بیشتر از نیروی هوایی است. پس نزا جا باید تهاجم هوایی با بالگرد را جایگزین تهاجم هوایی با جنگنده نماید. لذا پیشنهاد می‌گردد که هوانیروز و توپخانه در سازمان لشکر قرار گیرد.

فهرست منابع:

- افشردی، محمدحسین، (۱۳۹۸)، جزوه آموزشی طرح‌ریزی و هدایت صحنه جنگ، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، پژوهشکده دکترین، معماری دفاعی امنیتی و ترازایی قدرت.
- پورشاسب، عبدالعلی، (۱۳۹۷)، «بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین دکترین نظامی»، تهران، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۳۰
- تهامی، مجتبی، (۱۳۸۴)، امنیت ملی، جلد دوم، تهران: نشر آجا.
- شکوهی، حسین و علیرضا شیخ، (۱۳۹۶)، «الگوی تشکیل فرماندهی مشترک منطقه‌ای آجا مبتنی بر تهدیدات آینده»، فصلنامه علمی پژوهشی آینده‌پژوهی دفاعی، شماره ۳
- زهدی، یعقوب، و کلانتری، فتح‌ا...، (۱۳۹۵)، واکاوی رویکردهای جنگ آینده، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- دلاوری، رضا، (۱۳۷۸)، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات دلاوری.
- سامرز، هارچی (۱۳۷۱)؛ «دکترین نظامی دستورالعمل برای طراحی نیروها»، فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۲، سال سوم.
- لونی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد»، فصلنامه علوم و فنون نظامی،

تهران، دافوس آجا.

قنبری جهرمی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، «دکترین نظامی و فرآیند شکل‌گیری آن»، فصلنامه مطالعات دفاعی-امنیتی تهران، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).

کلانتری، فتح‌ا...، (۱۳۹۵)، «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن»، فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد دفاعی، شماره ۵۶.

کلانتری، فتح‌ا... و امیر صادقی (۱۳۹۸)، «منطقه منازعه خاکستری مفهوم نوپدید در مدیریت دفاعی آینده»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات و مدیریت راهبردی دفاعی ملی، شماره ۱۰.

محمد معین، (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی معین، چاپ بیست و یکم، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.

نوروزی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت، تهران، انتشارات سنا.

یاری، هوشنگ، (۱۳۹۲)، هوانیروز، نگاهی به گذشته، حال، آینده، تهران: سوره سبز.

دافوس آجا، (۱۳۹۸)، نیروهای مشترک و مرکب، گروه آموزشی مشترک.

Posen, Barry, (۱۹۸۴) The Sources of Military Doctrine: France, Britain, and Germany Between the World Wars. Cornell University Press. ISBN ۰-۸۰۱۴-۹۴۲۷-۳, p. ۱۳.

Horton. B. frank & others. Viotti. P. (۱۹۵۳), military doctrine in comparative defence policy. Johns Hopkins University Press, Khordad ۱۱.